

## تحقق نقش دروس نظری در

## افزایش کارایی حرفه‌ای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی

کریم شیرواد / کارشناس مدیریت و برنامه ریزی آموزشی / مدیر مرکز آموزشی استثنایی ۱۵ خرداد فریدون کنار

طیبه شغلی کناری / کارشناس آموزش ابتدایی / آموزگار مرکز آموزشی استثنایی ۱۵ خرداد فریدون کنار

## چکیده

بود. این موضوع در ارتباط با افراد کم‌توان ذهنی از حساسیت بیشتری برخوردار بوده است. چون این گروه از افراد با دارا بودن ناتوانی‌های زیاد، وقتی اجتماع مدرسه را ترک می‌کنند به دلیل کمبود سامانه‌های تأمین‌کننده‌ی خدمات مورد نیاز شغلی با خلاء وجود آموزش‌های خاص ضروری مرتبط رویه رو می‌شوند. به علاوه ناآگاهی افراد کم‌توان والدین آنها از منابع و مراکز حمایتی موجب احساس اضطراب و تشویش شده و کیفیت زندگی افراد کم‌توان را پایین می‌آورد.

در مفهوم آموزش شغلی هانگرفورد آمده است که برنامه‌ی کودکان کم‌توان ذهنی کلاً باید پیرامون دستیابی به صلاحیت‌های شغلی و اجتماعی باشد زیرا تنها در این صورت است که کودک کم‌توان ذهنی می‌تواند به حد توانایی افراد عادی نزدیک شود.

در تعاریف جامع و کامل از مهارت شغلی یا حرفه‌ای اشاره می‌شود که:

۱. آموزش شغلی در یک مدرسه زمانی مؤثر واقع می‌شود که شاگردان آن کلاس در درس‌های کلیدی، یعنی خواندن، نوشتن و حساب دست کم تا حدودی مهارت داشته باشند.
۲. دادن اطلاعات درباره‌ی مشاغل برای کودکان کم‌توان ذهنی آنقدر مهم نیست بلکه پایبند بودن و آشنا شدن با تعهدات و موقعیت‌های خاص مشترک همه حقوق‌بگیران اهمیت دارد.

توسعه‌ی حرفه‌ای فرآیند پویایی است که افراد را در ارزیابی مستمر، تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات پیرامون بازار کار و خود درگیر می‌کند. اگرچه به علت تفاوت‌های فردی و شرایط زندگی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی نمی‌توان رابطه‌ی معنی‌داری میان فعالیت‌های توسعه‌ی حرفه‌ای و نتایج اشتغال در بزرگسالی برقرار کرد اما پژوهش‌ها حاکی از آن است که اشتغال آینده، عزت نفس، استقلال و امنیت شغلی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی به طور معناداری با اجرای برنامه آموزش شغلی در مدرسه و فعالیت‌های حرفه‌ای مرتبط است. این مقاله به تأثیر عملکرد درست عوامل اجرایی و آموزشی مدارس اشاره دارد. امیدواریم این نوشتار تا حدودی نظرها را نسبت به هدف‌های مهم مهارت‌های حرفه‌ای کودکان کم‌توان ذهنی تغییر دهد.

## مقدمه

انتخاب شغل و اشتغال در بزرگسالی مرحله‌ای است که در زندگی بسیاری از افراد جامعه به نحوی اتفاق می‌افتد. انتخاب شغل که ممکن است به رضایت و امنیت شغلی بیانجامد و یا برعکس این نتایج را در بر نداشته باشد. به نظر می‌رسد هر قدر آموزش‌های دریافت شده گذشته فرد بیشتر در راستای زمینه‌های موجود در او باشد احتمال موفقیت شغلی وی نیز در بزرگسالی تضمین شده‌تر خواهد

می‌رود همان کاری را انجام دهد که گفته می‌شود در آن از همه ضعیف‌تر است. از او انتظار می‌رود که بدون کمک مهارت‌ها و اطلاعات کسب شده در مدرسه را به موقعیت‌های زندگی منتقل کند و این در رقابت با بزرگسالانی که از هوش عادی خود برخوردارند با یک عامل مشکل‌زا مواجه می‌گردند. از آنجا که مدرسه از زمانی که آنها به آن وارد می‌شوند تا زمانی که آن را ترک می‌کنند مسئول آموزش کودکان کم توان ذهنی است. صرفاً منطقی به نظر می‌رسد که مدرسه وظایفش را تا آنجا گسترش دهد که دوره‌ی سازگاری بعد از مدرسه را نیز دربرگیرد. این دوره از زمانی که کودکمان که حالا جوانی شده می‌تواند مدرسه را ترک کند شروع می‌شود و تا موقعی که او در جامعه به یک سازگاری اجتماعی و اقتصادی می‌رسد باید ادامه پیدا کند.

به نظر می‌رسد هر قدر آموزش‌های دریافت شده گذشته فرد بیشتر در راستای زمینه‌های موجود در او باشد احتمال موفقیت شغلی وی نیز در بزرگسالی تضمین شده‌تر خواهد بود

دانش آموزان کم توان ذهنی باید آموزش شغلی را همزمان با تحصیل خود دریافت کنند و بعد از فراغت از تحصیل با راه یافتن به مدارس حرفه‌ای یک شغل خاص را بر طبق علائق خود ادامه دهند تا بعد از پایان این دوره بتوانند حداقل سازگاری حرفه‌ای و حداقل درآمد مالی را کسب کنند.

مدرسه به چند دلیل برای تدوین یک برنامه بعد از مدرسه موقعیت مطلوبی است چون با کودکان چندین سال در تماس بوده است و مسئولیت آموزش

۳. مهم‌ترین مسئله در مهارت‌های حرفه‌ای آن است که به کودک کم توان ذهنی فرصتی داده شود تا توانایی‌هایش را به ظهور برساند و مانند افراد عادی جامعه به دور از ناامیدی به شایستگی حرفه‌ای برسد.

### نقش معلم در مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای

از مطالب گفته شده چنین استنباط می‌شود که هدف تمام برنامه‌هایی که برای کودکان کم توان ذهنی طرح ریزی می‌شود این است که کودک کم توان ذهنی را برای نوعی شغل تربیت کند و در این جا نقش معلم به عنوان مهم‌ترین عنصر آموزشی مشخص می‌شود و آن این است که چون بسیاری عقیده دارند که چون کودکان عقب مانده ی ذهنی نمی‌توانند در موضوع‌های نظری نظیر خواندن نوشتن، حساب، جغرافیا و تاریخ و ... شایستگی کسب کنند یا موفقیتی به دست آورند لذا بهترین برنامه آموزشی برای ایشان آن است که آنها را به نوعی کلاس کارآموزی حرفه‌ای بگمارند. ولی نقش معلم به عنوان یک راهنما که از ابتدا ورود کودک به مدرسه تا پایان سن نوجوانی با کودک کم توان است این است که قبل از این که کودک به کلاس حرفه آموزشی برود باید کوشش کند به جای حرفه آموزشی صرف باید عادات و روش‌های کاری را به این کودکان بیاموزند که برایشان مفید باشد یعنی فقط یادگیری غیرماهرانه نباشد بلکه شغل را با هدفمندی درست انتخاب کنند و یادگیری نظری آنها شایستگی شغلی آنها را بالا ببرد.

### نقش کلیدی مدرسه برای کودکان کم توان ذهنی

اگر تجربه‌های مدرسه به زندگی شغلی یا حرفه‌ای کودک کم توان ذهنی انتقال پیدا نکند از او انتظار

آنها را برعهده داشته است. با توانایی‌های فردی، خصوصیات و آموزش‌های خاص که برای آنها فراهم آورده به خوبی آشنایی دارد و مدرسه جایی است که کادر مجربی از معلم، مشاور و روان‌شناسان را آماده به خدمت دارد و هم چنین امکانات لازم برای فراهم آوردن آموزش‌های کاری اضافی و خاص. در مدرسه برنامه‌ها به صورت پیوسته باهم در ارتباطند و کودک را از همه نظر تحت پوشش قرار می‌دهند.

#### واحد تجربی

متخصصان آموزش و پرورش معتقد بودند که کودکان «ضمن عمل، یاد می‌گیرند» و اگر درس‌های مدرسه با موضوع‌های مورد علاقه‌ی آنها یا با واحدهای کاری مورد توجه آنها در ارتباط باشد و با سطح سنی ایشان متناسب باشد آنها را بهتر فرا می‌گیرند. لذا خواندن، نوشتن، ریاضیات، جغرافیا، تاریخ، تعلیمات مدنی و دیگر درس‌های مدرسه را با فعالیتی که کودکان در آن شرکت می‌کردند می‌آمیختند. براساس نظر یکی از دانشمندان به نام اینگرام برای اساسی کردن کارهای بزرگ آموزشی و مربوط ساختن هر چیز بیشتر آنها با نیازهای زندگی لازم است که کلاس درس را طوری سازماندهی کنیم که واحدهای کار یا مراکز توجه کودکان، بر فعالیت‌های آنها در کلاس درس حکم فرما باشند. اینگرام چند نمونه از معیارهایی که در واحدهای کار مؤثرند به این شرح نام برد:

۱. واحدهای کار باید از موقعیت‌های زندگی واقعی کودکان گرفته شوند و از علاقه‌ی مستقیم آنها سرچشمه بگیرند.
۲. انتخاب واحد باید به سطح رشد ذهنی و

اجتماعی و فعالیت‌های کودک بستگی داشته باشد. کودکان در سطح سنی مختلف به فعالیت‌های مختلفی علاقمندند.

۳. واحد کار باید کودک را به عنوان یک فرد رشد دهد و فعالیت‌های گروهی را در او با مشارکت و تشریک مساعی در گروه ترغیب کند. در بیشتر واحدها هر کودک، طبق علائق و توانایی‌های خود می‌تواند از یک جنبه از واحد بهره‌مند شود.

۴. واحد کار باید فرصتی در اختیار کودک بگذارد تا بتواند عادات و نگرش‌های خود را رشد دهد. این موارد باید شامل دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای شرکت او در اجتماعات باشد.

۵. واحدی که انتخاب می‌شود باید واحدی باشد که علاقه را در فعالیت‌های خارج از مدرسه توسعه و رشد دهد واحدی که به خارج از اجتماع کلاس می‌رود و به خانه و جامعه راه می‌یابد عالی تر از واحدی است که تنها در کلاس درس وجود دارد.

۶. واحدی که انتخاب می‌شود باید شامل فعالیت‌هایی باشد که دروس کلیدی را به کار گیرد. تدریس خواندن، نوشتن و حساب باید هر جا که ممکن باشد با واحد مرتبط و همبسته شود.

۷. واحد باید به طریقی باشد که تجارب گوناگونی برای کودکان فراهم آورد مانند واحدهایی درباره‌ی خانه، شهر، بازار، تلفن، کتاب، مسائل خودباوری، استفاده از پول و محیط اطراف.

چه زمانی می‌توانیم واحدهای کاری تجربی را در مدرسه، به جامعه بعد از مدرسه کودکان کم‌توان ذهنی مرتبط کنیم؟

۱. اطلاعات شغلی<sup>۱</sup>: در اطلاعات شغلی، اطلاعاتی درباره‌ی مشاغل، به دانش‌آموزان داده می‌شود و

کارهایی که در یک شغل موجود در جامعه باید انجام شود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این اطلاعات به این کودکان کمک می‌کند تا اهمیت این مشاغل را برای خود درک کنند.

اگر تجربه‌های مدرسه به زندگی شغلی یا حرفه‌ای کودک کم توان ذهنی انتقال پیدا نکند از او انتظار می‌رود همان کاری را انجام دهد که گفته می‌شود در آن از همه ضعیف‌تر است

این موضوع‌های بنیادی به شرح زیر است:

موضوع بنیادی ۱: خانه  
موضوع بنیادی ۲: محله  
موضوع بنیادی ۳: روستا  
موضوع بنیادی ۴: شهر  
موضوع بنیادی ۵: مطالعه‌ی زمینه‌های شغلی  
موضوع بنیادی ۶: راهنمای انتخاب شغل، به دست آوردن و نگهداری آن مناسب نوجوانان  
موضوع بنیادی ۷: راهنمای خرج کردن درآمد مناسب کودکان

موضوع بنیادی ۸: کارگر به عنوان یک شهروند و یک فرد اجتماعی مناسب نوجوانان  
در بین این موضوع‌های بنیادی موضوع ۶ و ۷، مناسب نوجوانان می‌باشد که آموزش و پرورش به ویژه معلم و مدرسه باید این موضوع‌ها را برای رسیدن به نتیجه مطلوب آینده برای کم‌توانی ذهنی بیشتر مورد توجه قرار دهند. چون دیده می‌شود که ۶۰ تا ۸۰ درصد این کودکان شغل خود را به عللی غیر از ضعف در مهارت‌های شغلی از دست می‌دهند. بنابراین برنامه‌ی آموزشی حرفه‌ای شامل زمینه‌هایی از آموزش می‌شود که اخراج از کار را در کم‌توان ذهنی کاهش می‌دهند.

این زمینه‌ها عبارت‌اند از: سلامتی شخصی، وضع ظاهر، رفتار، راه‌های کاریابی، توانایی در نگهداری شغل، توانایی در سازگاری با حوادث و بیکاری، طرز رفتار با کارفرما، طرز رفتار با همکاران، هزینه‌ها و امور بانکی، راه‌های رفت و آمد در شهر، نکاتی درباره‌ی زندگی خانوادگی، نکاتی درباره‌ی زندگی در خارج از خانه، تفریحات، روابط شخصی، روابط گروهی و شهروندی.

طرح نیویورکی کوششی است برای تدوین یک

۲. راهنمایی حرفه‌ای<sup>۲</sup>: در راهنمایی حرفه‌ای به کودک کمک می‌شود تا تواناییهای خود را نسبت به مشاغلی که به آن علاقمند است بسنجد و شغلی را اختیار کند که برایش از همه مناسب‌تر است.

۳. تربیت حرفه‌ای: در تربیت حرفه‌ای مهارت‌های ذاتی مربوط به کار، مهارت‌های غیرذاتی مربوط به کار و نیز عادات محلی، طرز برخورد با دیگران و صفات لازم برای یک کارگر و یک شهروند خوب به کودک آموزش داده می‌شود.

۴. به‌کارگماری: در این زمینه به کودک یا فرد کمک می‌شود تا کاری پیدا کند.

۵. استقوار اجتماعی<sup>۳</sup>: در این زمینه به سازگاری کودک با شغل خود و سازگاری با جامعه اش تا زمانی که لازم باشد کمک می‌شود. طبق عقیده‌ی هانگرفورد، آموزگاران در سه زمینه‌ی اول مسئولند و دو وظیفه‌ی آخر را آموزش و پرورش و اداره‌ی کارگزینی و استخدامی می‌توانند انجام دهند.

گروه تحقیق نیویورک برای دستیابی به هدف‌های آموزش حرفه‌ای یک برنامه‌ی آموزشی پیرامون موضوع‌های بنیادی<sup>۴</sup> مورد علاقه‌ی کودکان طرح‌ریزی کرده است.

برنامه‌ی ویژه برای کودکان کم‌توان ذهنی، برنامه‌ای که با توانایی‌ها و علائق آنها سازگاری داشته باشد و اهدافی چون شایستگی شغلی و اجتماعی را مورد تأکید قرار دهد. برنامه‌ی مزبور فعالیت‌های کودکان را در سطوح سنی گوناگون با یک موضوع اصلی نظیر موضوع بنیادی مرتبط می‌سازد اگر چه این برنامه با اغلب برنامه‌هایی که برای سطوح سنی پایین در نظر گرفته می‌شود، تفاوت چندانی ندارد. ولی نسبت به برنامه‌ای که به این کودکان ارایه می‌شود از نظر اطلاعات شغلی، راهنمایی شغلی و آموزش شغلی واقعی‌تر است.

#### اهداف و مقاصد در تحقق آموزش حرفه‌ای

آموزش کودک کم‌توان ذهنی با آموزش کودک عادی تفاوت دارد. این تفاوت در آنجا نهفته است که در مورد کودک کم‌توان بر مهارت‌های ذهنی و نظری تأکید نمی‌شود و بیشتر رشد شخصیت و کفایت در زمینه‌های اجتماعی و شغلی تأکید می‌شود. کودکان کم‌توان ذهنی در زمینه‌هایی نظیر خواندن، نوشتن، حساب، علوم و علوم اجتماعی نمی‌توانند به درجه‌ی مهارت و دانش کودکان عادی دست یابند. با وجود این می‌توانند بیاموزند که خود را با جامعه سازگار و متعادل سازند و در یک شغل که به مهارت نیاز نداشته باشد یا مناسب افراد نیمه‌ماهر باشد شایستگی نشان دهند.

کمیسیون تعیین سیاست‌های آموزش و پرورش چهار هدف عمده‌ی آموزش و پرورش را به شرح زیر بیان کرده است:

۱. هدف‌های خودشناس

۲. هدف‌های روابط انسانی

۳. هدف‌های کفایت اقتصادی

#### ۴. هدف‌های مسئولیت اجتماعی

هدف‌ها را می‌توان به طریق متعدد اظهار کرد. با وجود این به طور کلی همه‌ی متخصصان آموزش و پرورش توافق دارند که هدف‌های مشخص‌تر برای عقب مانده‌های ذهنی به قرار زیر است:

۱. آنها باید سازگاری با هم‌عانشان را بیاموزند بدین معنی که باید از طریق کسب تجارب اجتماعی متعدد صلاحیت اجتماعی پیدا کنند.

۲. باید یاد بگیرند که به منظور تحصیل درآمد برای زندگی خود، در کار شرکت کنند، بدین معنی که باید از طریق راهنمایی و آموزش شغلی به عنوان بخشی از تجربه‌ی مدرسه صلاحیت حرفه‌ای لازم را کسب کنند.

۳. باید از طریق یک برنامه‌ی بهداشت روانی خوب<sup>۵</sup>، امنیت و استقلال عاطفی در مدرسه و خانه را رشد دهند.

۴. باید از طریق یک برنامه‌ی بهداشتی مناسب، عادات مربوط به بهداشت و تندرستی را در خود به وجود آورند.

۵. باید حداقل موارد ضروری مربوط به درس‌های کلیدی را حتی اگر تحصیلاتشان به کلاس سوم تا پنجم محدود شود بیاموزند.

۶. باید از طریق یک برنامه‌ی آموزشی که به آنها یاد می‌دهد چگونه از فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت لذت ببرند، بیاموزند که خود را در فعالیت‌های اوقات فراغت مشغول کنند.

۷. باید از طریق یک برنامه‌ی آموزشی که بر عضویت و همکاری در خانه به عنوان یکی از اهداف مهم برنامه تأکید می‌کند، به اعضای شایسته‌ای برای خانه و خانواده تبدیل شوند.

۸. باید از طریق یک برنامه مدرسه‌ای که بر شرکت

خواسته‌های دیگران تأکید ورزد علاوه بر سازگاری با همسایگان و نگه داری شغل فرد باید با خود و با وجود خویش نیز زندگی کند سلامت جسم و عقل عوامل مهمی در پیشرفت امور آموزش می باشد که ناکامی در رشد عاطفی و در شکست آنها در جامعه و کفایت شخصی آنها تأثیر بسزایی دارد.

### نتیجه گیری

برنامه‌ی کلاس‌های ویژه در مدرسه برای کودکان کم توان ذهنی باید به گونه‌ای باشد که این کودکان را یاری کند تا از نظر اجتماعی و اقتصادی بزرگسالانی شایسته شوند. در طول دوران تحصیل شیوه‌های برخورد با دیگران، عادات و مهارت‌ها و اطلاعاتی که به این هدف‌ها جامه‌ی عمل می‌پوشاند مورد تأیید قرار گیرد تا:

۱. مهارت‌های آموخته شده در مدرسه را به موقعیت‌های داخل جامعه انتقال دهد.
۲. امکان کارآموزی را به هر میزانی که لازم است فراهم کند.

جمعی تأکید می‌ورزند بیاوزند که عضو با کفایت جامعه شوند.

در یک جمع بندی کلی اهداف آموزش و پرورش استثنایی برای کودکان کم توان ذهنی

۱. کفایت شغلی: یک کودک کم توان ذهنی باید طوری پرورش یابد که بتواند به طور جزئی یا کلی زندگی خود را از راه یک فعالیت مولد تأمین کند. بنابراین تربیت حرفه ای باید از زمانی که کودک به مدرسه وارد می شود شروع و هنگامی که با موفقیت به شغلی گمارده می‌شود و تا حدودی یا به طور کلی خود را اداره می‌کند پایان پذیرد.

۲. کفایت اجتماعی: کفایت اجتماعی مربوط به توانایی فرد در سازگاری با دیگران و نوعی تشریک مساعی با آنهاست. کودک کم توان ذهنی در بیشتر موارد یا عهده دار یک خانواده یا یکی از اعضای خانواده است. برنامه آموزشی برای کودک کم توان ذهنی باید بر روابط اجتماعی، کار با دیگران، سازگاری با مردم و توجه لازم به حقوق و

### زیر نویس‌ها:

- 1.Occupational
- 2.Vocational guidance
- 3.Social placement

4.Grcs cores

5.Educational policies commission

### منابع:

۱. کرک، ساموئل - جانسون، جی ارویل، آموزش و پرورش کودکان عقب مانده‌ی ذهنی، ترجمه مهدی زاده (۱۳۶۵)، موسسه چاپ و انتشارات استان قدس رضوی.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان عقب مانده‌ی ذهنی، انتشارات دانشگاه تهران.
- باشعور لشکری، مریم (۱۳۸۵) حرفه‌آموزی و دانش‌آموزان چند معلولیتی، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی، مرداد و شهریور، شماره‌های ۵۶ و ۵۷.
- حسین زاده، مرضیه و شریفی، رضا (۱۳۸۶). توسعه حرفه‌ای برای نوجوانان و جوانان کم‌توان ذهنی، ماهنامه تعلیم و تربیت استثنایی، تیرماه، شماره ۶۷.
- جلیلی، محمود و مرتضوی، سعیده (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر ارزیابی و رشد حرفه‌ای در کودکان، ماهنامه، تعلیم و تربیت استثنایی، آذر ۸۵، شماره ۶۰.